

شکست اجلاس سیاتل، چندان به ضرر کشورهای در حال توسعه نبود

نشانده:

نیم تا دوازدهم آذر ۷۸ در سیاتل امریکا، تظاهرات خیابانی، هرج و مرج و دود و گاز اشک آور پراکنده می‌شد، در همین اوان سران ۱۳۵ کشور جهان در این شهر گرد هم آمده بودند تا درباره تهیه فهرستی از مسایل قابل طرح در زمینه دور جدید گفت‌وگوهای چند جانبه برای آزادسازی تجارت جهانی به توافق برسند. اگر چه این توافق حاصل نشد و نشست سیاتل به شکست انجامید، اما می‌توان گفت که فرآیند آزادسازی تجارت جهانی برای کشورهای در حال توسعه جهان اگر زیان‌بار نباشد، دست‌کم توفیقی به همراه نخواهد داشت؟

باید به بررسی موضوع جهانی شدن و دستاوردهای آن برای کشورهای در حال توسعه عضو سازمان جهانی تجارت پرداخت. در واقع نمایندگان این کشورها در سیاتل حاضر شدند تا امتیازات بیشتری از غرب بخواهند تا بتوانند در فرآیند جهانی شدن، به رشد سریع‌تر اقتصادی و دورنمای بهتری برای رفاه شهروندان، دست یابند. در این مقاله به بررسی موقعیت کشورهای در حال توسعه در فرآیند جهانی شدن می‌پردازیم تا بتوانیم ارزیابی دقیق‌تری از گفت‌وگوهای چند جانبه در حال و آینده بدست آوریم.

فروپاشی دیوار برلین، فروپاشی شوروی سابق و پایان جنگ سرد در اواسط دهه گذشته نشان داد که از پشت درهای بسته نمی‌توان به رشد اقتصادی پایدار و زندگی و رفاه بیشتر برای شهروندان دست یافت.

کشورهای سوسیالیست تا دهه گذشته نتوانسته‌اند از طریق برنامه‌ریزی متمرکز اقتصادی به جایگاه شایسته در اقتصاد جهانی و رفاه زندگی شهروندان دست یابند. اگر رفاه زندگی شهروندی را فقط در چارچوب امکانات آموزشی و

بلوک شرق نسبت به غرب و... همه نشان می‌داد که اقتصاد مبتنی بر برنامه‌ریزی متمرکز توانایی حل معضلات اقتصادی - اجتماعی را ندارند و رقابت و بازار آزاد بهتر و آسان‌تر می‌تواند با بهره‌گیری از استعدادها و خلاقیت‌های نیروی انسانی، بسیاری از این معضلات را حل کند.

در همین حال از زمان ایجاد گات (موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت) در سال ۱۹۴۷، اواسط دهه گذشته، هیچ‌گاه کشورهای در حال توسعه جهان تا این حد در گفت‌وگوهای چند جانبه برای

بهداشتی، سطح استاندارد مصرف، تأمین اجتماعی و... بینیم، نمی‌توان گفت که در پشت درهای آهنین تأمین این نیازها برای مردم کافی نبوده، اما آنچه مسلم است مجموعه اقتصاد کشورهای سوسیالیستی تا اواسط دهه ۱۹۸۰ توانست بسیاری از مشکلات مربوط به فن‌آوری و سهم و جایگاه مناسب در تجارت جهانی را حل کند. عقب‌ماندگی فن‌آوری، فرسودگی صنایع و غیرقابل رقابت بودن آنها، تهدیدهای مربوط به کاهش میزان اشتغال و سطح نازل استاندارد زندگی مردم در

آزادسازی تجارت، مشارکت نداشته‌اند. گفت‌وگوهای دور اروگوئه با مشارکت بیشتر این گروه کشورها در گفت‌وگوهای چندجانبه خاتمه یافت و موافقت‌نامه‌های حاصله به روشنی وظایف کشورها (از جمله کشورهای در حال توسعه) برای دست‌یابی به سهم بیشتر در تجارت جهانی از طریق آزادسازی بازارها را بیان کرد.

شاید در آن زمان مقام‌های رسمی کشورهای در حال توسعه تصور نمی‌کردند که عملی ساختن این

موافقت‌نامه‌ها اگر چه دسترسی آن‌ها به بازارها و قدرت رقابتشان را تقویت خواهد کرد، اما مشکلات زیادی در زمینه تعدیل ساختار اقتصادی برایشان فراهم خواهد ساخت. با این وجود با گذشت حدود پنج سال از شروع فعالیت سازمان جهانی تجارت و اجرای موافقت‌نامه‌های گفت‌وگوهای دوراروگوئه، اکنون تنگناهای کشورهای روبه‌رشد برای دستیابی بیشتر به بازارهای کشورهای پیشرفته نمود عینی یافته است.

در نشست سیاتل، نمایندگان کشورهای در حال توسعه عضو سازمان جهانی تجارت حضور یافتند تا این تنگناها را تشریح کنند و خواستار امتیازات بیشتر یا دست‌کم فرصت مهلت بیشتری برای اجرای تعهداتشان در قبال پیمان آزادسازی تجارت جهانی شوند.

اما تظاهرات خیابانی سیاتل که از سوی گروه‌های حامی حقوق بشر،

حفاظت محیط زیست، اتحادیه‌های کارگری و... برپا شد، عملاً نشست سران در سیاتل را تحت‌الشعاع قرار داد و در همین حال سران کشورهای صنعتی با اصرار مواضع‌شان، این نشست را به رکود و شکست کشاندند. در باره علل شکست نشست سیاتل تحلیل‌گران نقطه‌نظرات گوناگونی ارائه داده‌اند و افراد خاصی را (رییس جمهوری آمریکا، رییس سازمان

○ از زمان ایجاد گات (۱۹۴۷) تا اواسط دهه گذشته، هیچ‌گاه کشورهای در حال توسعه تا این حد در دور گفت‌وگوهای چندجانبه برای آزادسازی تجارت جهانی، مشارکت نداشته‌اند.

جهانی تجارت و...) عامل شکست معرفی کردند، اما در واقع می‌توان گفت که نشست سیاتل با وجود آنکه پیروزی در میدان نداشت، اما بازنده واقعی داشت که همان کشورهای در حال توسعه می‌باشند.

بررسی مواضع بیان شده کشورهای مختلف در سیاتل شاید بتواند علل شکست این نشست را به‌طور منطقی و واقعی به ارزیابی بگذارد.

امریکا بر مواضع گذشته خود در مورد حذف یارانه صادرات محصولات کشاورزی به ویژه از سوی اتحادیه اروپا پافشاری کرد. این در حالی است که اروپا با ارایه سالانه ۴۲ میلیارد دلار یارانه به کشاورزان قدرت تولید و رقابت خود را در عرصه محصولات کشاورزی حفظ کرده و همچنان در قبال واردات، از تولیدات داخلی حمایت می‌کند.

نزاع آمریکا، اتحادیه اروپا بر سر تجارت موز و گوشت گوساله هورمونی در دو سال اخیر مثال واضحی است.

امریکا حتی در قبال درخواست کشورهای در حال توسعه برای ضوابط ضدرقابت مکارانه (ضد دامپینگ) پایداری می‌کند. موضوع سهمیه‌بندی منسوجات صادراتی کشورهای در حال توسعه نیز مثال واضح این امر است. درحالی که کشورهای در حال توسعه جهان در بخش منسوجات و پوشاک قدرت رقابت بیشتری در بازارهای

جهانی دارند و خواستار دسترسی بیشتر به این بازارها می‌باشند. اما موضوع مهم‌تر، سیاست

امریکا تحت تأثیر اتحادیه‌های کارگری این کشور است. امریکا قصد داشت بحث ضوابط کارگری و محیط زیست را در چارچوب دور جدید گفت‌وگوهای آزادسازی تجارت جهانی بگنجانند و اتحادیه اروپا نیز موضع‌گیری روشن و قوی در قبال امریکا در این بحث (به نفع کشورهای در حال توسعه) نداشت و فقط بحث کمک‌های بیشتر برای این کشورها را آن‌هم با احتیاط پیش کشید.

اما چرا این موضوع تا این حد مورد مخالفت کشورهای در حال توسعه عضو سازمان جهانی تجارت قرار گرفته است و چرا این کشورها درباره مسایل آزادسازی خدمات مالی، حقوق آثار فرهنگی و مسایل کارگری و زیست‌محیطی، پایداری می‌کنند؟ بحث بر سر رقابت برای کسب سهم بیشتر در تجارت جهانی است.

کشورهای در حال توسعه با بهره‌گیری از نیروی کار ارزان، توانسته‌اند در صنایع کارگبر قدرت رقابت بیشتری به‌دست

آوردند. صنایعی که تا حدودی مسایل زیست‌محیطی و نیز کارگری به دنبال دارد، اما رونق تجارت آنها و صدور بیشتر محصولات این صنایع می‌تواند درآمدهای ارزی بیشتر، رشد سریع‌تر اقتصادی و در نهایت رفاه اجتماعی برای این کشورها به ارمغان آورد.

رشد اقتصادی سریع شماری از کشورهای در حال توسعه در سال‌های اخیر از رونق جذب سرمایه‌گذاری و فن‌آوری خارجی در تولید کالاهای قابل صدور ناشی شده است. کالاهایی که در فرآیند تولید از نیروی کار ارزان، توان رقابت یافته‌اند. بحث در مورد الحاق مباحث کارگری (حقوق و امتیازات کارگران همانند آنچه در مقررات امریکا جاری است) به مفهوم کاهش قدرت رقابت اینگونه تولیدات در بازارهای جهانی است.

با وجود آنکه حامیان حقوق کارگری در سیاتل به ظاهر قصد داشتند که مباحث مربوط به حقوق کارگران را در دور جدید گفت‌وگوهای چندجانبه با عنوان حمایت از حقوق کارگران تمام کشورها، بگنجانند، اما موضوع اصلی آن‌است که جریان سرمایه‌گذاری در کشورهای در حال توسعه به ویژه از سوی شرکت‌های چندملیتی، در واقع فرصت‌های شغلی در غرب (کشورهای پیشرفته صنعتی) را مورد تهدید قرار می‌دهد.

جریان افزایش سرمایه‌گذاری خارجی در کشورهای در حال توسعه نه تنها به رشد سریع‌تر اقتصادی در این کشورها کمک می‌کند، بلکه فرصت‌های اشتغال بیشتری را برای کارگران آن‌ها فراهم می‌سازد و این تهدیدی جدی برای

اشتغال در کشورهای صنعتی است و تداوم جریان سرمایه‌گذاری در خارج از مرزهای کشورهای یاد شده در واقع قدرت اتحادیه‌های کارگری در غرب برای چانه‌زنی با کارفرمایان و کسب امتیازات و حقوق بیشتر برای کارگران را تضعیف می‌کند. رؤسای اتحادیه‌های کارگری امریکا به ویژه الف - سیو در جریان نشست سیاتل از طریق رایزنی با رئیس جمهوری امریکا، کلیتون را وا داشتند که بحث قرار دادن «حقوق کارگری» در دور جدید گفت‌وگوهای چندجانبه را دنبال کند.

البته ذکر این نکته نیز ضروری است که شرکت‌های چندملیتی از ضوابط کارگری آسان کشورهای در حال توسعه در فرآیند سرمایه‌گذاری در این کشورها بهره‌مند می‌شوند و یکی از انگیزه‌های قوی آنها برای مبادرت ورزیدن به سرمایه‌گذاری خارجی، همین بهره‌گیری از نیروی کار ارزان و کم‌هزینه این کشورها و تقویت بنیه رقابتشان می‌باشد. در همین حال کشورهای در حال توسعه نیز از جذب سرمایه‌گذاری و فن‌آوری خارجی به منظور افزایش توان رقابت در بازارهای جهانی و کمک به رشد اقتصادی سریع‌تر و ایجاد مشاغل در کشورشان، استقبال می‌کنند. به عبارت دیگر منافع متقابل کشورهای در حال توسعه و شرکت‌های چند ملیتی سرمایه‌گذار را به سوی یکدیگر جلب می‌کند. اگر قرار باشد که ضوابط حقوق کارگری غرب در کشورهای در حال توسعه پیاده شود، دیگر انگیزه قوی برای سرمایه‌گذاران جهت سرمایه‌گذاری در این کشورها، وجود نخواهد داشت و رشد اقتصادی کشورهای در حال توسعه

مختل خواهد شد که ناگفته پیداست مشکلات اقتصادی - اجتماعی و شاید سیاسی به دنبال خواهد داشت. بحث ضوابط حفظ محیط زیست و قرار دادن آن در چارچوب گفت‌وگوهای چندجانبه آینده نیز پیامدهایی نظیر حقوق کارگری دارد و تهدید علیه سرمایه‌گذاری در کشورهای در حال توسعه می‌باشد. آنچه مسلم است در نیم‌قرن اخیر صنایع آلوده ساز محیط زیست از کشورهای پیشرفته به کشورهای روبه‌رشد در حال انتقال بوده است. اکثر کشورهای در حال توسعه جهان، مقررات و معیارهای سختی برای حفاظت از محیط زیست قایل نشده‌اند و به‌همین جهت هزینه‌های سرمایه‌گذاری در این کشورها کمتر از کشورهای پیشرفته دارای ضوابط سخت در این مورد می‌باشد. برخی کارشناسان برآورد کرده‌اند که هزینه‌های مربوط به حفاظت از محیط زیست تقریباً دوسوم هزینه‌های سرمایه‌گذاری (در صنایع بسیار آلوده‌کننده) را در بر می‌گیرد. با فقدان مقررات سخت در زمینه حفاظت محیط زیست در کشورهای در حال توسعه، به عبارتی فضای سرمایه‌گذاری کم‌هزینه‌تر برای شرکت‌های خارجی فراهم شده و آن‌ها از این امر برای سرمایه‌گذاری در جوامع روبه‌رشد استقبال کرده و بهره‌مند می‌شوند.

نمایندگان کشورهای در حال توسعه در نشست سیاتل به‌لحاظ آنکه موضوع ضوابط حفاظت از محیط زیست، قدرت رقابت و جریان سرمایه‌گذاری در این جوامع را مورد تهدید قرار می‌دهد، به شدت با آن مخالفت داشتند.

در همین حال برخی ضوابط مربوط به حفاظت از محیط زیست و جانوران،

آنها باید بتوانند دست‌کم برای یک دوره ده ساله در برابر فشارهای امریکا برای گنجاندن این مباحث در چارچوب گفت‌وگوها، مقاومت کنند و شرایط و فضای بهتری برای جذب سرمایه‌گذاری و فن‌آوری خارجی فراهم آورند.

این کارشناسان عقیده دارند که کشورهای در حال توسعه در نهایت برای حفاظت از نیروی کار و بهبود شرایط زندگی کارگران و نیز محیط زیست می‌بایست آمادگی‌های لازم را پیدا کنند، اما آنچه مسلم است رشد سریع اقتصادی و بهبود فرصت‌های اشتغال در کشورهای در حال توسعه در شرایط کنونی مهم‌تر از مسایل کارگری و زیست‌محیطی است. زیرا کمبود سرمایه‌گذاری و توقف رشد اقتصادی، خساراتی به مراتب سنگین‌تر خواهد داشت. موضوع دیگر، پافشاری این کشورها بر کاهش بار بدهی‌های خارجی است که چنانچه بتوان آنرا در قالب گفت‌وگوهای آینده یا حتی توافق‌های دوجانبه گنجانند، خود موفقیتی بزرگ خواهد بود.

در همین حال ذکر این نکته ضروری است که سرمایه‌گذاری تضمین‌کننده رشد اقتصادی است و در فرآیند رشد و توسعه پایدار اقتصادی، امکان ارتقاء استاندارد زندگی (بهبود شرایط آموزش و پرورش و بهداشت) در کشورهای در حال توسعه نیز فراهم می‌شود.

میرمی به دسترسی به فن‌آوری و انتقال آن دارند.

به نظر می‌رسد که کشورهای توسعه یافته می‌بایست به خواست‌های به حق کشورهای در حال رشد در زمینه رفع تبعیض‌های تجارت (مقررات ضد دامپینگ)، لغو سهمیه‌های وارداتی (به‌ویژه در زمینه منسوجات و پوشاک) و... تن دهند تا فضایی آرام‌تر برای آزادسازی بیشتر و بهتر در تجارت جهانی کالاها و خدمات فراهم شود.

در نهایت باید گفت، مشارکت فعال کشورهای در حال توسعه در بحث‌های آینده سازمان جهانی تجارت، می‌تواند موقعیت آن‌ها را نه تنها در این سازمان، بلکه در چارچوب تجارت آزاد بین‌المللی تحکیم نماید.

اگرچه بازندگان واقعی نشست سیاتل، کشورهای در حال توسعه معرفی شده‌اند که نتوانسته‌اند مباحث موردنظر خود را در دورگفت‌وگوهای چندجانبه آینده بگنجانند، اما می‌توان گفت دست‌نیافتن به توافق در سیاتل بهتر از توافقی می‌باشد که در آن خواست‌های کشورهای در حال توسعه نادیده گرفته شود.

برخلاف عقیده برخی تحلیل‌گران که معتقدند بازندگان سیاتل، کشورهای در حال توسعه می‌باشند، برخی کارشناسان نیز عقیده دارند که چنانچه کشورهای مذکور بتوانند در آینده یک‌پارچه و منسجم حرکت کنند و مانع از گنجاندن بحث‌های حقوق کارگری، محیط زیست، گشایش بازار خدمات مالی (در کوتاه‌مدت) و... در چارچوب دور آینده گفت‌وگوهای آزادسازی تجاری شوند، به موفقیتی چشم‌گیر دست خواهند یافت.

سبب می‌شود که توان صادرات برخی کشورهای در حال توسعه یا تازه صنعتی شده (ماهی‌گیری و صید میگو در شرق دور) تحلیل‌برود و از این‌رو مورد مخالفت کشورهای مذکور قرار گرفته است.

کشورهای در حال توسعه در نشست سیاتل خواستار افزایش مهلت برای انجام و اجرای تعهدات مربوط به خدمات مالی و حقوق آثار فرهنگی بود. علت این امر نیز در توان رقابت ناکافی این کشورها در زمینه‌های فوق می‌باشد، تجربه بحران مالی آسیا در سال ۱۹۹۷ که رکود اقتصادی از شرق آسیا تا امریکای لاتین را به دنبال داشت، نشانه واضح این ناتوانی در اجرای تعهدات مربوط به گشایش بازار خدمات مالی است.

به عقیده برخی کارشناسان، اجرای مقررات مربوط به حفظ حقوق آثار فرهنگی در چارچوب توافق‌های جهانی، در شرایط کنونی برای کشورهای در حال توسعه جهان اگر ناممکن و زیان‌بار نباشد، دست‌کم دشوار است. این مقررات مجازات‌های سنگینی را برای تقلیدکنندگان در سراسر جهان به‌ویژه کشورهای در حال توسعه قایل شده است، در حالی که بخش قابل توجهی از توان رقابت این کشورها در عرصه‌های بین‌المللی از تقلید (کپی‌کاری) بدست آمده و چنانچه قرار باشد برای دستیابی به هر فن‌آوری تازه حق‌الامتیاز سنگینی به صاحبان آثار فرهنگی در غرب از سوی تولیدکنندگان در کشورهای در حال توسعه پرداخت شود، جریان انتقال و دانش فنی و فن‌آوری به جهان روبه‌رشد باکندی و دشواری‌های بسیار روبه‌رو خواهد شد، درحالی که این کشورها نیاز